

تبیین مستندات صحت وقف پول از منظر فقه امامیه

وحید صداقت نیا*

مقاله پژوهشی



چکیده

ادله صحت وقف پول متعدد هستند و نیاز به تبیین دارند. در صورت تطبیق شرایط مال موقوفه در وقف پول، پذیرش صحت وقف پول تسهیل می‌گردد. پول دو گونه است یا دارای ارزش ذاتی است مثل سکه‌هایی که از طلا و نقره ساخته می‌شوند، یا دارای ارزش ذاتی نیست مثل اسکناس‌های رایج امروزی که به اعتبار دولت است. انتفاع با بقاء اصل در هر دو نوع از پول قابل‌تصور است. در پول‌های رایج امروزی از قبیل اسکناس، بقاء در صورت انتفاع صدق می‌کند و منافع متعددی را می‌توان شمرد. این تحقیق که به روش تحلیلی توصیفی انجام شده است، نشان می‌دهد که مقتضی برای صحت وقف پول وجود دارد و پول شرایط مال موقوفه را دارد. علاوه بر این می‌توان به حدیث نبوی اشاره کرد که در این حدیث منظور از اصل اعم از عین است به این دلیل که در روایاتی از اهل بیت (علیهم‌السلام)، مواردی را وقف کرده‌اند که اعتباری‌اند اما قابلیت بقاء را در صورت انتفاع دارند و وقف آن صحیح شمرده است.

واژگان کلیدی: وقف، پول، فقه امامیه

*. استاد سطح عالی حوزه علمیه
sedaghat333@iran.ir



مقدمه

وقف به معنی نگه‌داشتن اصل و رها کردن منفعت است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۶۲) و در اصطلاح عقدی است که نتیجه آن ایستایی اصل و رها شدن منفعت است. در بحث وقف منظور از حبس مال نگه داشتن آن از نقل و انتقال است. به این معنی که تصرفاتی که موجب نقل و انتقال می‌شود، ممنوع است. وقف از جمله نهادهای مهم مالی است که با توجه به زمان، مکان، شرایط و اوضاع، تغییراتی در آن رخ داده است. دایره معاملات رو به گسترش است و وقف نیز برخی از نیازهای مالی جامعه را برطرف می‌کند. مردم نگاهی که به موضوع وقف دارند، نگاهی خیر خواهانه است. به همین دلیل عده‌ای به دنبال امر وقف هستند و خواهان وقف اموال خود هر چند اندک و ناچیز باشند. در دوران گذشته وقف عقار، یعنی زمین و باغ و سایر مستغلات به دلیل فراوانی و در دسترس بودن در میان مردم رواج داشته است اما امروزه نوعاً این نوع از اموال به سختی در دسترس مردم قرار می‌گیرد و وقف آن با مشکلاتی همراه است. بنابراین باید به دنبال راهی بود که مردم بتوانند در این امر خیر شرکت کنند و با هر توان مالی در این امر شرکت کنند. این نیاز را با وقف پول می‌توان برطرف کرد. همان‌طور که بیان شد، هدف از وقف، انتفاع همیشگی موقوف علیهم از مال موقوفه است. با توجه به این مطلب اگر کسی پول را در جهت کار خیر وقف کرد به عنوان مثال وام دادن یا صندوق‌هایی که برای امورات خیر ایجاد شده است که می‌توانند یک نهاد قدرتمند مالی باشند و برای رفع نیاز مردم ایجاد شده اند، این سؤال ایجاد می‌شود که آیا می‌توان پول را در این جهت وقف کرد؟ با این توضیح که عده‌ای از این پول‌ها استفاده کنند و بعد از رفع نیاز دوباره این پول را به این صندوق برگردانند.

در میان فقها راجع به صحت وقف پول اختلاف نظر وجود دارد. صحت وقف پول نیاز به ادله‌ای دارد که بتوان به آن استناد کرد. مستندات صحت وقف پول متعدد هستند و نیاز به تبیین دارند. در صورتی که ادله صحت تبیین شود و وقف پول مانند سایر اشیائی که وقف می‌شوند، تطبیق داده شود، قائل شدن به صحت وقف پول تسهیل می‌گردد. بنابراین لازم است که مستندات صحت وقف پول به درستی تبیین شود و ابعاد مختلف مسأله بیان شود. از پیامدهای مثبت تبیین مستندات صحت وقف پول و اجرای آن در جامعه می‌توان در حل معضلات معیشتی جامعه بهره برد. تحقیق حاضر دستیابی به

این سؤال که وقف پول چه ادله‌ای دارد و چگونه صحت وقف پول را ثابت می‌کند، وجهه همت خویش قرار داده است و به دنبال بیان ادله صحت وقف پول است.

در زمینه موضوع وقف پول مقالات متعددی نوشته شده است، از جمله مقاله‌ای با عنوان «وقف پول» توسط سید علی کسایی می‌توان نام برد در این مقاله وقف پول از سه جهت مورد بررسی قرار گرفته است. بخش فقهی، تاریخی و قانونی. در این مقاله نویسنده به بررسی نظرات فقهاء و بحث وقف در قانون و تطبیق آن در وقف پول و در انتهاه ارائه مدلهایی جهت وقف پول می‌پردازد. مقاله دیگری نیز با عنوان «وقف پول» توسط مهدیه رضایی، محمد صدری و محمد رضا آقاچانی قناد نوشته شده است. در این مقاله به بیان ارائه مدلهایی جهت اجرای وقف پول از جمله بانک وقف پول و صندوق قرض الحسنه وقف پول می‌پردازد و در ادامه به بیان ارکان وقف و شرایط مال موقوفه می‌پردازد. اما امتیاز تحقیق حاضر این است که به‌طور کامل به تبیین و تشریح مستندات صحت وقف پول از نگاه فقه امامیه می‌پردازد.

۱. مفاهیم

۱-۱. پول

پول شیء فلزی یا کاغذی با واحد مشخصی که در هر کشور برای انجام معاملات، خدمات، خرید و فروش، و مانند آن‌ها بکار می‌رود. اعتبار آن یا به ارزش خود آن شیء است. (مانند سکه طلا و نقره)، یا به ارزش پشتوانه آن است. (مانند اسکناس). (انوری، ۱۳۸۱، ش: ۲: ۱۴۵۲). به عبارت دیگر آنچه که برای بازپرداخت بدهی‌ها مورد قبول قرار گیرد، پول گفته می‌شود. بنابراین پول نه تنها شامل اسکناس و مسکوکات می‌شود، بلکه هر چه که ارزشمند تلقی شود و بتوان آن را در معامله استفاده کرد، حتی سپرده‌های جاری و مدت دار نزد بانک‌ها نیز مشمول پول خواهد شد. (بهمن پور، ۱۳۹۰، ش: ۲۲). اقتصاددانان تعاریف متعددی از پول ارائه کرده‌اند. در تعریف اولیه پول آمده است که وسیله‌ای است که با آن بهای کالا و خدمات را می‌پردازیم. (حسن زاده، مجتهد، ۱۳۸۸، ش: ۵۷). اقتصاددانان با توجه با کارکرد پول چند تعریف از آن ارائه کرده‌اند. پول وسیله‌ای است که سه وظیفه مبادله و معیار سنجش و ذخیره ارزش انجام دهد. (یوسفی، ۱۳۷۷، ش: ۲۷). پول عبارت است از چیزی که دارای قدرت خرید و پرداخت باشد. در تعریف دیگر آمده است پول وسیله مبادله و ذخیره ارزش اقتصادی است. به عبارت دیگر پول هر گونه حق مالکیتی است که



مورد قبول عموم در مبادلات قرار گیرد. در تعریف دیگری آمده است که پول چیزی است که بیان گر مالیت مال بوده و خصوصیات شخصی آن از نظر عرف ملغی شده است. (نظری، میرجلیلی، ۱۳۷۴ش: ۱۲). وجه مشترک تمامی این تعاریف این است که پول، واحد ارزش و رایج‌ترین واسطه داد و ستد و وسیله پرداخت است.

۲. وجود مقتضی صحت وقف پول

۲-۱. مالیت پول

از شروط اساسی در هر معامله این است که شیء مورد معامله، مال باشد. مالیت از جمله شروطی است که نزد اکثر فقهاء مورد توجه بوده است. شیخ انصاری شرط مالیت را اولین شرط در معامله ذکر می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۹). مال همان‌طور که در کتب لغت آمده است، در اصل، تملک از طلا و نقره است. سپس بر هر آنچه که از اعیان اخذ کند و مالک شود، مال اطلاق می‌شود. بیشترین چیزی که عرب به آن مال اطلاق می‌کند، شتر است. زیرا شتر بیشترین اموال عرب بوده است. مال الرجل و تمول، یعنی زمانی که صاحب مال شد. مال، مال نامیده شده به این دلیل که مردم میل پیدا کرده‌اند به آن از اطاعت خداوند. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵: ۴۷۵). همچنین برخی دیگر گفته‌اند که عرب به انعام خود مال می‌گفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۴۴). یا شتران را اموال خود می‌دانند. (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۳۵۸). یا مال آن چیزی است که آن را تملک کنند. (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰: ۴۴۰).

در پاسخ به این سؤال که آیا پول مال است یا نه؟ در مورد سکه‌های طلا و نقره پاسخ روشن است و مال محسوب می‌شوند. در مورد اسکناس‌های رایج امروزی که ارزش آن به پشتوانه آن است، می‌توان گفت که این نوع از پول نیز مال محسوب می‌شود. به این دلیل که دولت‌ها برای آن ارزش و اعتبار جعل کرده‌اند. به عبارت دیگر دولت برای آن قیمت تعیین کرده است. این پول‌ها به دلیل مالیت از سوی دولت در تمام مملکت مورد قبول و رایج شده‌اند و هر زمان که بخواهد می‌تواند مالیت را از آن سلب کند. (جمعی از مؤلفان، بی تا، ش ۱۶: ۱۱۵). علاوه بر این، عنوان مال یک امر عرفی و عقلایی است. یعنی هر چیزی را عرف آثار مالیت بر آن بار کند، مال محسوب می‌شود. شرع نیز هر چیزی را که عرف مال بداند احکام مالیت را بر آن بار کرده است. البته در مواردی هم شرع نسبت به برخی از اموال سلب مالیت کرده است. مانند خمر و خنزیر

و امثال آن. بنابراین برخی از اشیای عالم به جهت فوایدی که دارند در نظر عرف و عقلاً مطلوبیت پیدا کرده، مورد عرضه و تقاضا واقع می‌شوند. در نتیجه از آن اشیاء مالیت انتزاع می‌شود. عرف و عقل یک نوع ارزش مبادله‌ای را در پول جعل و اعتبار کرده‌اند و همه دارندگان پول کاغذی این احساس را دارند که واجد و دارای شیء ارزشمندی هستند و می‌توانند با آن انواع مختلف کالا و خدمات تولیدی با ارزش را به‌دست آورند. در نتیجه می‌توان گفت که پول مال محسوب می‌شود.

این بدان معنا است که پول قادر به ذخیره ارزش مبادله‌ای است. و وقتی پول بتواند ارزش مبادله‌ای را ذخیره کند، مال است. زیرا امکان ندارد پول بتواند ارزش مبادله‌ای را ذخیره کند اما مال نباشد. زیرا ارزش مبادله‌ای همان مال است. (جمعی از مؤلفان، بی تا، ش ۱۶: ۱۴۵). بنابراین آنچه که امروز به عنوان پول در دست مردم است و در گردش است همین اسکناس‌های اعتباری است و آن مال حساب شده و مال بودن آن برای سهولت در امر معاملات اعتبار شده است و تفاوتی با اموال دیگر ندارد. به همین سبب مورد رغبت مردم است. (جمعی از مؤلفان، بی تا، ش ۷: ۹). شاهد مطلب این است که اگر کسی پولی را تلف کرد، ضامن آن خواهد بود. برخی از فقهاء از جمله حضرت امام خمینی (ره) در کتاب تحریرالوسیله به این نکته اشاره کرده‌اند و فرموده‌اند: اوراق نقدیه مثل اسکناس و دینار و دلار و غیر این‌ها، دارای مالیت اعتباری هستند. و پرداخت به قرض دهنده مسقط ذمه است و اتلاف آن موجب ضمان است. (خمینی، بی تا، ج ۲: ۶۱۳).

۲-۲. امکان وقف پول

مال موقوفه شرایطی دارد و هر مالی قابلیت وقف شدن را ندارد. در صورتی که بتوان شرایط مال موقوفه را در پول تطبیق داد، پول مانند سایر اشائی می‌گردد که وقف آن صحیح و بدون مشکل خواهد بود.

۲-۲-۱. تطبیق شرایط مال موقوفه در وقف پول

شرایط مال موقوفه عبارت است از اینکه: مال موقوفه عین باشد، با بقای عین بتوان از مال انتفاع برد، مال موقوفه ملک واقف باشد و قبض آن ممکن باشد. (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۶۶).

۲-۲-۱-۱. بررسی شرط عین بودن مال موقوفه

یکی از شرایط مال موقوفه عین بودن آن است. این شرط را می‌توان در تمام کتب فقهاء در بیان شرایط مال موقوفه مشاهده کرد. اما در روایات لفظ عین ذکر نشده است.



مانند این حدیث از پیامبر (صلی الله علیه وآله) که در آن تعبیر اصل آمده است: حَبْسِ الْأَصْلِ وَ سَبْلِ الثَّمَرَةِ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۴۷). با توجه به این حدیث، آنچه که در وقف مهم است، اصلی است که غایت وقف را محقق کند. اصل اعم از عین بودن است. بنابراین شرط عین بودن به خاطر این نیست که هر چه که عین خارجی نبود، وقف آن باطل است. بلکه منظور خارج کردن مصادیقی از جمله منافع و دیون است که رسالت ماندگاری و جاری بودن را در وقف بر آورده نمی کنند. دلیل عدم قابلیت وقف منافع و دیون این است که در صورت انتفاع، اصلی باقی نمی ماند تا قابلیت بقاء را داشته باشد. به تعبیر دیگر می توان گفت که شرط عین بودن مال موقوفه جهت توضیح مصداق صحیحی از شرط قابلیت انتفاع با بقای اصل است و مخاطب را به مصادیق صحیح وقف ارشاد می کند. این امر را می توان در روایت دیگر که از معصومین (علیهم السلام) وارد شده، مشاهده کرد. در حدیثی از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) حقوقی که زمین به دنبال دارد مانند حق ارتفاق، از جمله مال موقوفه محسوب شده است.^۱ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۲۰۲). از این روایت استفاده می شود که لزومی ندارد که موقوفه عین خارجی باشد. بلکه از حقوق هم باشد می شود آن را وقف کرد مانند: حق شرب، حق آبه، حق مسیل، حق ارتفاق. این موارد امور خارجی نیستند بلکه امور اعتباری هستند. بنابراین می توان گفت پول که یک امر اعتباری است می توان آن را وقف کرد. در نتیجه شرط عین بودن مال موقوفه در وقف پول قابل تطبیق است.

۲-۱-۲. بررسی شرط امکان بقاء عین با انتفاع از منافع

همان طور که در شروط مال موقوفه ذکر کردیم یکی از شرایط مال موقوفه این است که مال موقوفه با انتفاع باقی بماند. سؤالی که مطرح می شود این است که آیا پول در صورت وقف

۱. : وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَى وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: أَوْضَى أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ- هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) تَصَدَّقَ بِأَرْضِهِ فِي مَكَانٍ كَذَا وَ كَذَا كُلَّهَا- وَ جَدُّ الْأَرْضِ كَذَا وَ كَذَا- تَصَدَّقَ بِهَا كُلَّهَا وَ نَحْلَهَا وَ أَرْضَهَا وَ قَنَاتِهَا- وَ مَائِهَا وَ أَرْجَائِهَا وَ حُقُوقِهَا وَ شَرْبِهَا مِنَ الْمَاءِ- وَ كُلُّ حَقٍّ هُوَ لَهَا فِي مَرْفَعٍ أَوْ مَظْهَرٍ أَوْ عَرْضٍ أَوْ طَوْلٍ أَوْ مَرْفِقٍ أَوْ سَاحَةِ- أَوْ أَشَقِيَّةٍ أَوْ مُتَشَعِّبٍ أَوْ مَسِيلٍ أَوْ غَامِرٍ أَوْ غَامِرٍ تَصَدَّقَ بِمَجْمِيعِ حُقُوقِهِ مِنْ ذَلِكَ عَلَى وُلْدِ ضَلْبِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ ترجمه: محمد بن حسن به اسنادش از صفوان بن يحيى و به اسنادش از محمد بن علی بن محبوب، از علی بن سندی، از صفوان بن يحيى، از عبد الرحمن بن حجاج روایت کرده است که گفت: امام ابولحسن موسی (علیه السلام) وقف نامه موقوفه ای را این گونه انشاء فرمود: این چیزی است که موسی بن جعفر آن را وقف کرده است. او تمام زمین خود را در فلان محل وقف کرده، و حد آن زمین چنین و چنان است. او کلیه این رقبه را با نخل آن و زمین و قنات و آب و آسیاها و حقوق و حقابه اش را و هرگونه حقی را که در ارتفاع یا مظهر یا عرض یا طول یا مرفق (بالوعه) یا حیاط یا حق الشرب نهرها یا جوی ها و جدول های منشعب شده یا مسیل یا زمین آباد یا ویرانی که به آن تعلق گیرد، کلیه حقوق خود در این موارد را بر اولاد صلبی خود، چه مرد و چه زن، وقف کرده است.

قابلیت انتفاع با بقاء عین را دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید سراغ انواع پول رفت. اگر منظور از پول، انواع سکه باشد که جنس آن از طلا یا نقره است؛ صحت وقف این نوع از پول در کلام برخی از فقهاء آمده است و برای آن منافی ذکر شده که در صورت انتفاع از این منافع اصل پول باقی می‌ماند و قائل به صحت وقف پول شده‌اند. از جمله شهید اول در کتاب دروس می‌گوید: وقف درهم و دینار صحیح است به شرطی که داری منفعت حکمی باشد و عین آن در صورت انتفاع باقی بماند. مثل استفاده به عنوان تزئین. (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۶۹). شهید ثانی در حاشیه شرایع می‌گوید: اقوی این است که وقف درهم و دینار جایز است، به دلیل فایده استفاده به‌عنوان زینت و سکه زدن با آن یعنی از آن قالب درست کنند و بر منوال آن سکه بزنند و امثال آن. (عاملی، ۱۳۸۰ش: ۵۲۰). اما اگر پول از نوعی باشد که جنس آن ارزش ذاتی نداشته باشد بلکه ارزش آن به اعتبار باشد، آیا می‌توان گفت وقف این نوع از پول صحیح است؟ نگاهی که به پول جدید وجود دارد، نگاه به پشتوانه آن است. اسکناس پشتوانه‌های متعدد و متغیری داشته است. اما امروز عامل مهم در حفظ ارزش اسکناس و پول، محدودیت عرضه پول و تناسب صحیح اقتصادی میان حجم پول و حجم کالاها و خدمات قابل مبادله است. (داوودی، ۱۳۷۴ش: ۲۷). در واقع ارزش این پول به قدرت خرید و حفظ ذخیره ارزش کالا است.

بقاء هر مالی به تناسب خود آن است. در این‌جا با اندکی دقت، روشن می‌شود که بقاء مال در صورت استفاده از منافع در این نوع از وقف وجود دارد. به عبارت دیگر پول در گردش اقتصادی توان ایجاد ارزش افزوده را دارد. ارزش افزوده در واقع منافی از پول است که به‌صورت تدریجی حاصل می‌شود و اصل مال نزد بانک محفوظ است. همچنین واقف می‌تواند پول را وقف قرض‌الحسنه کند. به این صورت که پول را نزد مرکزی مانند بانک قرار دهد و به‌عنوان قرض‌الحسنه در اختیار دیگران قرار دهد و قرض‌کنندگان بعد از رفع نیاز در موعد مقرر آن را برگردانند. بنابراین می‌توان گفت که این شرط در وقف پول تحقق دارد.

۲-۲-۱۳. بررسی شرط ملک بودن مال موقوفه

در مباحث گذشته دلائل متعددی ذکر کردیم که پول مال است و به ملکیت در می‌آید. هرفردی در اثر خدمتی که به دیگری انجام می‌دهد ارزشی را ایجاد کرده‌است. در مقابل ارزش، پول دریافت می‌کند یا کالایی تولید می‌کند و در قبال فروش کالا پول دریافت می‌کند. این شخص مالک پول است و حق هر گونه تصرف در آن را دارد. در نتیجه یکی از مصادیق تصرف در مال، وقف آن است. صاحب پول این اختیار را دارد که پول خود را وقف کند.



۲-۲-۱۴. بررسی شرط امکان قبض مال موقوفه

یکی از شرایط مال موقوفه این است که امکان قبض مال موقوفه وجود داشته باشد. وقف مالی که قبض آن امکان نداشته باشد، مانند وقف عبد فراری صحیح نیست. (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج: ۵، ۳۲۱). راغب در مفردات می‌گوید: قبض به معنی گرفتن چیزی با کف و انگشتان، مثل گرفتن شمشیر و غیر آن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۵۲). در ادامه می‌گوید به معنای تحویل و تحویل هم آمده است. البته قبض هر مالی متناسب با خود آن است. به عنوان مثال در اموال منقول قبض به تحویل آن است. قبض در اموال غیر منقول به این است که استیلا و سلطه بر مال ایجاد شود. به عبارت دیگر قبض کتاب با قبض خانه تفاوت دارد و عرف در هر مالی نوع خاصی از قبض را اعتبار می‌داند. در موضوع وقف پول، قبض آن متناسب با خود آن است. به این معنا که واقف پول، موقوفه را حبس می‌کند و منافع آن را در اختیار موقوف علیهم می‌گذارد.

۳. عدم مانع و شمول ادله

۳-۱. عدم انتفاع

برخی از فقهاء که قائل به عدم صحت وقف پول هستند، معمولاً دلیل عدم جواز را عدم انتفاع از وقف پول دانسته‌اند و انتفاع از پول را مساوی با اتلاف آن می‌دانند. به این معنا که اگر پول وقف شود منفعت استفاده همراه با اتلاف آن است. علامه حلی در کتاب مختلف می‌گوید: برای وقف درهم و دینار نفعی غیر از اتلاف نمی‌توان فرض کرد. در واقع وقف پول شبیه وقف مأكولات و مشروبات است. (حلی، ۱۴۱۳ق، ج: ۶، ۳۳۰). همان‌طور که در مأكولات استفاده از آن همراه با اتلاف است، وقف پول نیز همراه با اتلاف آن است. شیخ در مبسوط درباره دلیل عدم صحت وقف پول می‌گوید: همانا به عدم صحت وقف پول قائل شدیم، به این دلیل که برای وقف درهم و دینار منفعتی غیر از تصرف در آن‌ها نیست. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج: ۳، ۲۸۸). در واقع دلیل عدم صحت، عدم وجود منفعت برای درهم و دنانیر است.

۳-۱-۱. نقد و بررسی

وقف پول همیشه با اتلاف آن همراه نیست. زیرا مواردی وجود دارد که پول را می‌توان وقف کرد و برای آن منفعتی در نظر گرفت که با انتفاع از پول، اصل پول باقی بماند. چنان‌که برخی از فقهاء عناوینی از قبیل تزئین و تحلی (زیور آلات) را نام برده‌اند. (عاملی،

۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۶۹). در مورد اسکناس هم همین امر به نوعی وجود دارد و می‌توان ارزش مال را با وقف اسکناس حفظ کرد. در توضیح این مطلب باید گفت که نگاه واقف در وقف پول به ظاهر پول نیست، بلکه نگاه او به ارزش و قدرت خریدی است که این پول به دنبال خود دارد. ارزش مالی پول قابلیت بقاء در صورت انتفاع را به همراه دارد. به عبارتی می‌توان ارزش مالی پول را حبس کرد و در جهتی که واقف مد نظرش است، استفاده کرد. به عنوان مثال واقف پول را در جهت قرض یا مضاربه وقف کند. در این صورت اگر کسی نیاز دارد استفاده کند و بعد از مدت معینی آن را برگرداند و شخص دیگری استفاده کند. در اینجا آنچه که وقف شده است، ارزش مالی پول است که قادر به حبس شدن و انتفاع را به دنبال دارد.

۳-۲. عین نبودن پول

مانع دیگری که برخی از مخالفین صحت وقف پول بیان کرده‌اند، عین نبودن پول و اعتباری بودن آن است. ایشان گفته‌اند مال موقوفه باید عین باشد و پول عین نیست، لذا وقف آن صحیح نیست. در نقد این مطلب اشاره کردیم که لزومی ندارد مال موقوفه عین باشد بلکه اصلی دارای منشاء اثر باشد و بتوان در صورت انتفاع باقی بماند. در ادامه از طریق دیگری بررسی می‌کنیم که مقابل عین چه اموری قرار دارند و این‌که آیا پول مقابل عین است یا خیر؟ برخی از فقهاء از جمله صاحب جواهر عین را در مقابل سه عنوان قرار داد و بیان کرده که این سه عنوان وقف آن صحیح نیست. (نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۱۵).

۳-۲-۱. دین

راغب در مفردات می‌گوید دین به معنای وام و بدهی است. دنت الرجل یعنی از او وام گرفتم. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۳). در کتاب العین آمده است که هرچیزی که حاضر نباشد به آن دین می‌گویند و جمع دین دیون است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۷۲). امام خمینی (ره) می‌فرماید: دین عبارت است از مال کلی ثابت بر ذمه شخص برای دیگری (خمینی، بی تا، ج ۱: ۶۴۷). پس دین عبارت است از هر مال کلی که در ذمه فرد باشد. این‌که گفته می‌شود در وقف، دین و بدهی نمی‌تواند به‌عنوان مال موقوفه مطرح شود؛ منظور این است که کسی نمی‌تواند بستانکاری اش از دیگری را وقف کند. و این نوع مال قابل وقف نیست. چنان‌که اکثر فقهاء فرموده‌اند که وقف دین صحیح نیست. در مورد پول نمی‌توان گفت که مال کلی در ذمه است. منظور از عین خارجی، مالی است



که در خارج در حین عقد موجود باشد و بتوان به آن اشاره حسیه نمود. مانند آن میز، آن کتاب، آن اتومبیل، آن مبلغ پول. در این جا نیز می‌گوییم پول مال کلی در ذمه نیست. بلکه یک امر مشخص است. مبلغی از پول هر مقداری که باشد، حاوی یک ارزش و اعتبار خاص است و دارای قدرت خرید مشخصی است که این اعتبار از سوی دولت یا حاکم به آن اعطا شده است. واقف نیز هدفش وقف ظاهر پول نیست. بلکه هدف او مالیت و ارزشی است که این پول به همراه دارد. به تعبیر دیگر واقف حقوق و اعتباری که این پول به همراه دارد، وقف می‌کند. در تأیید مطلب فوق برخی از فقهاء در باب وقف، قائل به صحت وقف مالیت شده‌اند. از جمله سید محمد کاظم یزدی در خصوص وقف مالیت می‌گوید: مانعی از صحت وقف مالیت نیست. (یزدی، ۱۴۱۴ق، ج: ۱، ۲۶۴).

۳-۲-۲. منفعت

نفع به معنی فایده است. (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج: ۷، ۹۶). و مقابل آن ضرر است. منفعت اسم مصدر از نفعی کذا است. به عنوان مثال، چشمها و گوشها عین هستند و منافع آن دیدن و شنیدن می‌باشد. (محمود عبدالحمین، بی تا، ج: ۳، ۳۵۸). مطلق استفاده از اشیاء را منفعت می‌نامند، در نتیجه پول نمی‌تواند منفعت باشد بلکه خود شیء دارای منفعت است.

۳-۲-۳. کلی

لفظ کلی مفهومی است که صدق آن بر بیش از یک معنا امتناع ندارد. (مظفر، ۱۳۷۵ش: ۵۹). مثل انسان، حیوان، معدن و غیره. این عناوین دارای افراد متعدد هستند. باتوجه به این تعریف، وقف امر کلی صحیح نیست. آیا پول امر کلی است یا یک امر معین و شخصی است؟ در جواب می‌گوییم که پول مانند سایر اموال است. اگر واقف بگوید که پول را وقف کردم یا بگوید پولی را وقف کردم، این کلی است. مانند این که بگوید اسبی را وقف کردم و وقف آن صحیح نخواهد بود. اما اگر مقدار پول را مشخص کند و بگوید پنجاه میلیون پول را وقف کردم. در واقع واقف هدفش این است که پنجاه میلیونی که این مقدار پول من ارزش دارد و قدرت خرید با آن در جامعه وجود دارد و ارزش آن این مقدار است را وقف کردم، صحیح خواهد بود. این مالیت مشخص که ارزش آن نزد واقف معلوم است و دارای قدرت خرید خاصی است، امر کلی نیست. در نتیجه باتوجه به اینکه پول حاوی ارزش مشخصی در جامعه است، نمی‌توان گفت کلی است و وقف آن صحیح نیست.

نتیجه‌گیری

پول مال محسوب می‌شود و مانند سایر اموال می‌باشد. شرایط مال موقوفه در وقف پول قابل تطبیق است. در نتیجه مقتضی برای صحت وقف پول وجود دارد. شرط عین بودن مال موقوفه لزومی ندارد. در وقف آنچه که مهم است، اصلی باشد که رسالت ماندگاری با انتفاع را داشته باشد. به همین دلیل وقف منافع و دیون صحیح نیست زیرا قابلیت بقاء در صورت انتفاع را ندارند. وقف پول مانند وقف مأكولات و مشروبات نیست، زیرا در وقف پول مصادیق زیادی وجود دارد که با انتفاع از پول، اصل آن باقی می‌ماند. نسبت به سکه‌های طلا و نقره فقهاء اموری مثل تزیین یا ضرب سکه را ذکر کرده‌اند و وقف پول را در این امور صحیح می‌دانند. در مورد اسکناس‌های رایج نیز بقاء اصل با انتفاع صدق می‌کند مانند قرض الحسنه یا بانک وقف پول یا مضاربه دادن و موارد دیگر.



کتابنامه

- قرآن مجید
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱). *المحکم و المحيط الأعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- انصاری، بن مرتضی محمد امین (۱۴۱۵). *المکاسب*، قم: مجمع فکر اسلامی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، بی جا: انتشارات سخن.
- بهمین پور، حمید؛ مشیری، سعید (۱۳۹۵). *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران: نشر نی.
- جمعی از مؤلفان، (بی تا). *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- حسن زاده، علی؛ مجتهد، محمد (۱۳۸۸). ماهیت و کارکرد پول اصل محوری در جریان کاهش ارزش پول مقایسه اقتصادهای متعارف و اسلامی، *نشریه اقتصاد*، دکتر علی حسن زاده، دکتر احمد مجتهد، نشریه اقتصاد، ۱۳۸۸ ش ۱۰.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳). *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی.
- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، مصحح: عبد الحسین محمد علی بقال. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا). *تحریر الوسیلة*، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- داوودی پرویز، نظری حسن، میر جلیلی سید حسین (۱۳۷۴). *پول در اقتصاد اسلامی*، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴). *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الکتب.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، ترجمه احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیة*، سید محمد تقی کشفی، تهران: المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷). *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۰). *حاشیه شرایع الاسلام*، قم: بوستان کتاب قم.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم: هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: دارالهجرة.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- محمود عبد الرحمان (بی تا). *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة*، بی جا: بی نا.
- مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۵)، *اصول الفقه*، چاپ نهم، قم، اسماعیلیان.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نظری حسن، میر جلیلی حسین (۱۳۷۴). *پول در اقتصاد اسلامی*، تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۱۴). *تکملة العروة الوثقی*، قم: مکتب الداوری.
- یوسفی، احمد علی (۱۳۷۸). ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، *کتاب ماه دین*، ۱۳۷۸ ش، ۲۸.